

قیام افسران توده‌یی خراسان

سید حسن امین

□ در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۴ بیست و چند تن از افسران، درجه‌داران و سربازان توده‌یی لشکر خراسان به قصد تشکیل یک جمهوری سوسیالیستی در منطقه‌ی ترکمن صحرا در مرز شوروی، اسلحه و مهمات تحت اختیار خود را برداشته و تحت فرماندهی سرگرد علی‌اکبر اسکندانی از پادگان مشهد از راه بجنورد به سوی دشت گرگان که هنوز در اشغال ارتش سرخ بود، حرکت کردند. افسرانی که به همراه اسکندانی حرکت کردند، عبارت بودند از:

سرهنگ عابدین نوایی، سرگرد احمد شقایب، سرگرد محمدعلی پیرزاده، ستوان یکم غلامحسین قمصریان، ستوان یکم حسین فاضلی، سروان بهرام دانش، ستوان یکم سلیمی، ستوان یکم رحیم شریفی، ستوان یکم علی‌اصغر احسانی، ستوان یکم مهدی کیهان، سروان عبدالرحیم ندیمی، رئیس دانا، سرباز مسعود تفرشیان.

افسرانی که در این قیام کشته شدند عبارت بودند از:

ستوان یکم شهبازی، ستوان دوم نجفی، نجدی، مینایی، سرچوخه بهلول (راننده جیب)، سرباز موسی رفیعی (خاطرات غلامحسین بیگدلی، صص ۹۹-۱۰۱) این افسران و درجه‌داران توده‌یی، پس از غافلگیر کردن سرهنگ خداداد (فرمانده لشکر خراسان) و خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری مراوه تپه با توپ و تانک به طرف گنبد قابوس راه افتادند. به این ترتیب که ساعت ۴/۵ بعدازظهر

ترکمن صحرا» را به رسمیت بشناسد و زیر پر و بال بگیرد. اما شواهد خارجی نشان می‌دهد که حضرات از اول با چراغ سبز دولت شوروی و هماهنگی کمیته‌ی مرکزی حزب توده به این اقدام متجاسرانه دست زده‌اند.

این شواهد را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱- حزب توده از تهران چند افسر دیگر (امثال سرهنگ عبدالرضا آذر، پوروطن، سرگرد احمد رصدی، سرگرد عبدالحسین آگاهی، سروان نصرالله پزشکیان و ستوان یکم محمد پورهرمزبان) را به مقصد افسران توده‌یی خراسان اعزام کرد و با ملحق شدن افسران تهرانی به افسران خراسانی، تعداد این افسران متجاسر از ۲۵ نفر به ۳۱ نفر رسید. (خاطرات نورالدین کیانوری، ص ۱۰۶)

۲- عبدالصمد کامبخش (عضو کمیته‌ی مرکزی حزب توده که در رأس سازمان افسری حزب توده بود) با افسران خراسانی هماهنگ بوده است. (اسکندری، ایرج، خاطرات، تهران، علمی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۲) بلکه به قولی یک افسر توده‌یی دیگر، این قیام به دستور عبدالصمد کامبخش انجام شده است و سرگرد اسکندانی در مشهد و سرهنگ آذر در تهران «آلت دست» بوده‌اند. (خاطرات بیگدلی، ص ۹۹)

۳- سرهنگ عبدالرضا آذر مسؤول سازمان نظامی ستاد مرکزی حزب توده در تهران و سروان خسرو روزبه، با افسران خراسان هماهنگ بوده‌اند. (کولایی، الهه، استالینسم و حزب توده، ۱۳۷۶، ص ۹۷)

۴- اتحاد جماهیر شوروی در جریان شورش افسران توده‌یی خراسان بوده و عملاً در فاصله‌ی ۲۵ تا ۲۹ مرداد به

روز ۲۹ مرداد سرگرد اسکندانی همراه شش نفر از اعضای جناح نظامی حزب توده، در یک خودروی جیب وارد شهر گنبدقابوس شد. اینان هنگام عبور از جلوی ساختمان شهربانی با مقاومت نیروهای مسلح گنبد مواجه شدند و در نتیجه تمام هفت نفر سرنشینان خودروی جیب کشته شدند و از سرنشینان دو کامیون دیگر، سه نفر (به نام‌های ستوان یکم حسین فاضلی، ستوان یکم رحیم شریفی و ستوان دوم علی‌اصغر احسانی) در محل دستگیر و برای محاکمه به مرکز اعزام شدند و چندین نفر دیگر متواری شدند. این فراریان را شوروی جمع‌آوری کرد و با پوشاندن لباس سربازان ارتش سرخ بر آن‌ها، آنان را به آذربایجان اعزام نمود تا در وقت مناسب با تعلیمات بهتر، خدمات بیش‌تری به شوروی بکنند.

غائب بهلکه (رییس کمیته‌ی محلی حزب توده در گنبد قابوس) در فرار بازماندگان این افسران توده‌یی خراسان به شوروی مؤثر و نقش‌آفرین بود.

بعضی از افسران توده‌یی مزبور (امثال پروفسور احمد شقایب، پسر مرحوم شفاءالملک سبزواری) گفته‌اند که حرکت نظامی این افسران، خودجوش بود و اینان امیدوار بودند که پس از اعلان جمهوری در ترکمن صحرا = دشت گرگان، دولت شوروی را در برابر عمل انجام شده قرار دهند تا شوروی ناگزیر در پی تجزیه‌ی آن قسمت از ایران، آن «جمهوری سوسیالیستی

شورشیان کمک کرده است، چنان که وقتی دولت مرکزی ایران قصد اعزام نیرو برای مقابله با افسران شورشی داشته است، مانع حرکت نیروهای نظامی دولت مرکزی شده است. (خان ملک‌یزدی، محمد، غوغای تخلیه‌ی ایران، تهران، سلسله، ۱۳۶۲، صص ۴۳۳-۴۳۴)

۵- حرکات مشابه در آذربایجان، کردستان و مازندران مورد تأیید شوروی

و حزب توده بود. بنابراین، قیام مسلحانه افسران توده‌یی خراسان، اولین آزمایش شاخه‌ی نظامی حزب توده برای تجزیه بخشی از ایران با حمایت ارتش سرخ و پیوستن به اتحاد جماهیر شوروی بود.

در خاتمه قابل یادآوری‌ست که مرحوم پروفیسور غلامحسین بیگدلی نسخه‌یی از کتاب قیام افسران خراسان

تالیف پروفیسور احمد شفایی (پسر مرحوم شفاءالملک سبزواری) را با حواشی خود به من سپرد و در آن حواشی که به خط خود اوست، فحشی نموده است که به او نداده باشد. شاید روزی در همین مجله آن یادداشت‌ها را چاپ کنم. با این همه قول و ذکر او موتیکم بالخیر را از یاد نمی‌برم و برای همه‌ی ایرانیان آرزوی غفران الهی دارم. ■

نامه‌ی بازنشستگان به نمایندگان مجلس

اشاره: نامه‌ی حاضر را بازنشستگان کشوری به تک‌تک نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرستاده و مطابق همان نامه‌ی رسمی هم رونوشت آن را به مجله‌ی حافظ فرستاده‌اند. این قشر زحمت کشیده شایان همه‌گونه تقدیر و احترام‌اند و ما با افتخار نامه‌ی ایشان را عیناً نقل می‌کنیم.

خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی...»

در خصوص بهداشت که طبق قانون بیمه خدمات درمانی کشور، دولت باید حداقل ۷۰ درصد هزینه‌های درمانی را پرداخت نماید و بقیه ۳۰ درصد از طرف بیمه شونده تأمین شود. ولی با کمال تأسف سال‌هاست که دولت علی‌رغم سالیانه صدها میلیارد دلار درآمد نفتی، بی‌رحمانه سهم ۷۰ درصدی خود را بر شانه‌ی ناتوان بازنشستگان تحمیل کرده است. آیا شما هیچ‌گاه در این باب، اقدام ملموس و قانونمندی را از خود نشان داده‌اید؟

□ بسمه تعالی

ای کسان که ایمان آورده‌اید چرا چیزی را به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید. (صف - ۲)

این عملی که سخنی بگوئید و خلاف آن کنید خدا را شدیداً به خشم و غضب می‌آورد. (صف - ۳)

نمایندگی محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام تقاضای توجه و عنایت لازم نسبت به مشروحه ذیل را دارند:

۱- در اصل شصت و هفتم قانون جمهوری اسلامی ایران، در برابر قرآن مجید و سایر کتب آسمانی سوگند یاد کرده‌اید که: «... با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که ... همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشیم...»

به راستی از حقوق قانونی و مسلم ما بازنشستگان به عنوان بخشی از ملت، دفاع کرده‌اید؟

۲- در اصل بیست و نهم، قانون اساسی (ج - ۱ - ۱) آمده است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر پزشکی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی و... و نیاز به

۳- در اصل چهاردهم قانون اساسی (ج - ۱ - ۱) آمده است: «... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

آیا به راستی قسط و عدل اسلامی نسبت به حقوق مسلم و قانونی ما بازنشستگان مسلمان که همواره در خدمت میهن عزیز و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران